

توطئه ایران شمالی

امیر فیض-حقوقدان

خبری منتشر شده در باب انتشار نشریه ای بنام ایران شمالی که مشروح آن در ایمیل جاوید ایران قابل مطالعه است اجمال قضیه، آغاز فعالیتی برای بازپس گرفتن قفقازیه و ۱۷ شهر آن است که بموجب عهدنامه های گلستان و ترکمانچای از مالکیت ایران خارج شده است. خبرها حاکی است که محسن رضانی با عنوان «فرمانده پیشین ارشد سپاه پاسداران» رهبری این برنامه را بر عهده دارد همان خبر اشاره ای هم دارد که حضور محسن رضانی دلیل ارتباط موضوع با حکومت ایران هم هست.

بهر تقدیر، در اعلامیه منتشره آمده است که «قرارداد ترکمان چای پس از ۹۹ سال امروز باطل شده است و شعار حرکت «پیش بسوی ایران شمالی» بارها تکرار گردیده است.

از آنجا که صورت خبر، تصویری از یک ندانمکاری و یا توطئه ای برای اجماع جهانی علیه تمامیت ارضی ایران رانشان میدهد تصور میکنم که گفتگوهایی در این باب بی مناسبت نباشد.

تردید نیست که قرارداد گلستان که ۱۲ اکتبر سال ۱۸۱۳ بین ایران و روسیه تزاری به امضا رسید و تمامی گرجستان و داغستان و نواحی در میانه مصب رودخانه ترک و کوراز ایران جدا شد یک ضایعه و فاجعه است گرچه ایرانیان ۱۰ سال با رشادت تمام باروسها جنگیدند ولی پیروزی نصیب روسها و قرارداد گلستان سهم ایران شد.

البته ایرانیها ساکت ننشستند و کاملاً زخم این شکست را درک میکردند ولی هر قدر که شاه و عباس میرزا به ضعف نظامی ایران و برتری ارتش روسیه آگاه بودند و تمایلی به جنگ دیگری باروسیه نداشتند ولی مراجع تقلید وقت اصرار در جنگ باروسیه را داشتند و تحت رهبری سیه محمد طباطبائی اصفهانی معروف به سید مجاهد به فتحعلیشاه اتمام حجت فرستادند که «باید باروسیه ترک مصالحه کرده و واجب شرعی است که عداوت و منازعه آشکار شود» و تاکید داشتند که «مهربانی و مراوده با کفار حرام است و در صورت رد حکم جنگ خود حکم جهاد خواهند داد» فتحعلیشاه مذاکرات سیاسی باروسیه را که در باب استرداد اراضی از دست رفته عهدنامه گلستان جریان داشت متوقف و برخی از افسران بلند پایه و حکام ایرانی به اعتبار فتاوی مراجع تقلید پیشدستی در حمله به قوای روسیه را آغاز کردند که در نهایت پس از سه سال جنگ و پیشروی سریع روسها بطرف تهران با وساطت دولت انگلستان قرارداد ترکمان چای بین ایران و روسیه به امضا رسید (۱۸۲۸)

۹۹ سال من در آوردی^۱

عده ای میگویند از آنجا که در قرارداد ترکمان چای ذکر مدت نشده و قرارداد بدون مدت هم در علم حقوق محل اشکال است و اگر نکرمدت نشده باشد معیار ۹۹ سال است لذا قرارداد ترکمان چای اکنون تمام شده است و سر زمینهای آذربایجان - ارمنستان و گرجستان جزء خاک ایران است و در مقابل این ایراد که باگذشت ۹۹ سال از امضای عهدنامه ترکمانچای میبایستی در سال ۱۹۲۷ این اراضی به ایران بازگردانده میشد و یا اقل مطالبه و طرح دعوا میکردید در این مورد که شخصاً با محسن پزشکیور در گذشته صحبت کرده ام میگفت این دولتهای وقت ایران بوده اند که از این موقعیت استفاده نکرده اند این قصور سبب زوال حاکمیت ملت ایران بر اراضی جدا شده از ایران نمیشود.

^۱ - برای خواندن متن قرارداد های ترکمانچای و گلستان به سایت ۱۴۰۰ سال در این آدرس مراجعه کنید

بنده نمیدانم استناد به ۹۹ سال برچه اساس است در کدام عقد از عقود لازم، ذکر مدت از شرایط اعتباری قرارداد است و این تخم لُق بی اساس چگونه معیار اظهارنظرهایی به این مهمی شده است و انگهی میزان قراردادان حقوق عمومی خصوصی چه ارتباطی به عهدنامه های بین المللی و یا قراردادهای بین کشورهای دارد.

قرارداد ترکمان چای برخلاف تصور برخی عنوان مصالحه را دارد عنوان مصالحه به عهدنامه واجد این مفهوم است که خصومت و کشاکش و جنگ بموجب قرارداد پایان یافته است چنین امری نمیتواند مدت دار باشد کدام عهدنامه صلحی مدت دار است که مدت، معیار، اصالت قرارداد ترکمانچای قرار گرفته است؟ مگر عهدنامه اعراب مهاجم به ایران با ایرانیان مدت دار بود؟ مگر عهدنامه پاریس که قرارداد ورسای و عهدنامه ژرمن و عهدنامه سوروتریلون مشتق از آن است مدت دار بوده است؟ مگر عهدنامه الجزایر (اروند رود) مدت دار بود عهدنامه پاریس سبب شد که کشورهای استونی و لیتوانی و لتونی و چکسلواکی و لهستان و یوگسلاوی و رومانی بوجود آیند کشور عثمانی به عربستان و سوریه و عراق و لبنان قسمت شود آیا بعد از ۹۹ سال این کشورها بوضع قبل از جنگ بین الملل اول برواهند گشت و ترکیه میتواند بگوید پیش بسوی عراق و عربستان و سوریه؟ هندوستان میتواند بگوید پیش بسوی بنگلادش و پاکستان؟

درست است که در قرارداد ترکمانچای قید مدت نشده برای اینکه قرارداد مزبور از جمله قراردادهایی که باید مدت دار باشد نبوده است. چنانکه در همان قرارداد ذکر شده که این صلحنامه <الی ال یوم الابد> خواهد بود. دیگر اینکه گرچه نمیتوان عهدنامه های بین المللی را منطبق با شرایط قراردادهای مدنی گرفت با این وجود عقد مصالحه در حقوق عمومی در صورتی که عوض داشته باشد ذکر مدت را لازم ندارد مانند عقد بیع است که مدت ندارد و فقط عقد اجاره است که در صورت عدم قید مدت عقد باطل است نه اینکه اگر مدت نداشت مدت آن ۹۹ ساله است.

قراردادهای بین کشورهای که نیاز به مدت دار در قراردادهایی است که در حاکمیت طرف قرارداد کسر و نقصانی ایجاد نمیگردد مانند بهره برداری از منابع طبیعی و آبهای ساحلی و فلات قاره و امثال آنها و یا اجاره دادن سرزمینی به کشوردیگر <اجاره هنگ گنگ به انگلستان> نه صلحنامه های پایان جنگ.

سوء تفاهم نشود بنده از قرارداد منحوس ترکمانچای دفاع نمیکنم بلکه حق دارم نگران باشم که برخی نادانی ها و یاسوء تبلیغات جهتی رابه حرکت ایران شمالی بدهد که در کنترل خارجی و در جهت دقیق برنامه ای که برای تجزیه ایران تدارک شده است براه بیفتد و یک اجماع جهانی را علیه ایران و به حقانیت کشور آذربایجان و ارمنستان و گرجستان که عضو سازمان ملل متحد هستند تدارک به بیند یادتان هست که باحمله عراق به کویت چه اجماع جهانی علیه عراق براه افتاد.

انقلاب اکتبر روسیه و قرارداد ترکمانچای

پس از انقلاب اکتبر روسیه، (لنین برای ارانه تصویر حسن نیت از خود نسبت به ملتهای ضعیف و استعمار زده تمام امتیازات دولت تزاری را از کشورهای دیگر ملغی اعلام کرد در آن زمان نخست وزیر ایران صمصام السلطنه بود او از این موقعیت استفاده کرد و الغای قرارداد ترکمانچای را خواستار شد این درخواست دولت ایران به دلیل اینکه قرارداد ترکمانچای صلحنامه پایان جنگ است نه قرارداد امتیازی به جریان نیفتاد ولی از آنجا که در قرارداد ترکمانچای حق کاپیتولاسیون برای اتباع روسیه در ایران قائل شده بود و این یک امتیازی محسوب میگردد دولت روسیه در الغای امتیاز مزبور مقاومت نکرد ناگفته نماند که از زمان صفویه عملاً حق کاپیتولاسیون به اتباع خارجی مقیم ایران داده شده بود و ورود این حق در قرارداد ترکمانچای امری بیسابقه نبوده است. این راهم اضافه کنم که بموازات موافقت روسیه با الغای امتیاز کاپیتولاسیون قرارداد ۱۹۲۱ بین روسیه و ایران بامضارسید.

جنگ بین دو کشور مبطل قراردادهای دوطرفه است

یک اصلی در حقوق بین الملل وجود دارد که «جنگ بین دو کشور سبب فسخ و بطلان قراردادهای بین آن دو کشور میشود»

حاشیه-- نظریه حقوقی مزبور در مورد الغای قرارداد ۱۹۲۱ که به دولت روسیه حق داده است که هرگاه ایران در معرض حمله کشوردیگری قرارگیرد و روسیه احساس کند که ممکن است خطری متوجه کشورش شود در صورتی که ایران نتواند جلوی قوای کشور متجاوز را بگیرد دولت شوروی حق مداخله نظامی در ایران را دارد، قابل اجراست زیرا (متن از حافظه است) حمله شوروی به ایران در شهریورماه سال ۱۳۲۰ سبب بطلان قرارداد ۱۹۲۱ خواهد شد (پایان حاشیه)

ولی متأسفانه اصل حقوقی مزبور هم شامل قرارداد ترکمانچای نمیشود زیرا عهد نامه ترکمانچای صلحنامه پایان جنگ است و اصل حقوقی مزبور متوجه قراردادهای مرزی ارتباطی تجاری و حسن همجواری فرهنگی و استفاده از آبهای ساحلی فلات قاره و بنادر ویا قرارداد های پایگاه های نظامی آمریکایی در کشورهای دیگر میباشد

حقوق بین الملل و بهانه ها

حقوق بین الملل ادعای مالکیت و یا حقانیت کشوری را بر سرزمین ها به بهانه اینکه در سابق آن سرزمین جزء خاک کشور مدعی بوده برسمیت نمیشناسد، و همچنین ادعای کره و اجبار در تنظیم عهدنامه های صلح را پذیرا نیست و اگر خلاف این قاعده و یارویه بین المللی معمول بود چون تمام افغانستان را پادشاهان صفوی فتح کرده بودند شاهان قاجاریه که بفاصله کمی جانشین پادشاهان صفوی شده بودند میتوانند بر تمامی افغانستان ادعا و اقدام به تصرف نمایند و همچنین میتوانند حدود قلمرو خود را به سرزمینی که بین کوههای کردستان و فرات واقع بود گسترش دهند یعنی سرزمینی که کاخ عظیم بیستون و طاق کسری که زمانی پایتخت ایران بوده شامل میشود و کلیت این قاعده مرزهای کشور مارا به این گفته داریوش تثبیت میکرد

«اینک قلمرو پدر من از جنوب تا بجائی است که مردم از گرمانتوانند زیست و از شمال تا جائی که از سرما» گزنفون

سازمان ملل متحد و ادعای ایران شمالی

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ با ۵۱ عضو تشکیل گردید و در سال ۲۰۰۶ تعداد اعضای آن به ۱۹۲ کشور رسید تمام این ۱۴۱ کشور تازه در اثر قراردادهای صلح و تجزیه کشورها بوجود آمده اند و اعتبار و مشروعیت بین المللی آنها با هریک از ۵۱ کشور مؤسس سازمان ملل متحد برابر است در بین این ۱۹۲ کشور سه کشور آذربایجان و ارمنستان و تاجیکستان هم وجود دارند. در بین کشورهای عضو سازمان ملل کشوری را نمیتوانید پیدا کنید که حاضر شده باشد به طیب خاطر و برای مردم سلب حق حاکمیت از خود کرده باشد و خود را جزء کشور ثالثی قلمداد کند، و انگهی گرجستان سالها قبل از جنگ اول روسیه و ایران که منجر به عهدنامه گلستان شد تحت حمایتی روسیه را پذیرفته بود چراکه مردمش تحمل ملامت های شیعه زمان صفویه را نداشتند.

اگر ادعای نامربوط ایران شمالی، مربوط شناخته شود نظم و نسق جهانی بکل درهم میریزد به همین دلیل یک اجماع بسیار قوی و قطعی علیه ادعای نامربوط ایران شمالی به حرکت خواهد افتاد که تمامیت ارضی ایران را با خود خواهد برد و حاصل آن، ایران تجزیه شده به چندین کشور جدید عضو سازمان ملل میگردد نباید این اجماع را با مسئله انرژی اتمی یکسان گرفت و تحمل دنیا را در بازی های جمهوری اسلامی در مورد شعار «حرکت بسوی ایران شمالی» تکرار موضوع انرژی

اتمی گرفت. اجماع بسیار سخت و خطرناک فوری را پیش می‌آورد که زنگ خطر جدی برای استقلال و تمامیت ارضی کشورهاست.

مقصود از اجماع تبانی کشورها نیست بلکه اجرای صریح ماده اول و بند چهارم ماده دوم منشور سازمان ملل متحد است. بازی خطرناک <پیش بسوی ایران شمالی> عملاً تهدید کشورهای آذربایجان و گرجستان و ارمنستان است که به آن کشورها حق میدهد که اگر تهدید راجدی و مغایر با امنیت ملی خود میدانند موضوع رابه شورای امنیت بکشاند و شورای امنیت بنابه اقتضای مورد مواد ۴۱ و ۴۲ را بر سر ایران بکوبد و برنامه تجزیه کشورها که متاسفانه در مدار سیاسی آمریکا و اروپا قرار گرفته است در راستای قطعنامه های شورای امنیت به اجرا درآید.

سوء تعبیر نشود بنده نمیخواهم بگویم که حرکت پیش بسوی ایران شمالی برای کشورهای آذربایجان و ارمنستان و گرجستان تهدیدی است منطبق با تهدید تفسیری منشور سازمان ملل ولی صراحتاً میگویم که برای غرب که منتظر بهانه است البته که میتواند پای تهدید رابه میان آورد <حیله جورابهانه بسیار است> مگر افغانستان، عراق، سودان و اکنون لیبی و سوریه رانمی بینیم؟ امیدوارم شما هم باین عقیده همراه باشید که

باهر چیزی میتوان بازی کرد نه با استقلال و تمامیت ارضی ایران